

گسترده‌گی پژوهش در محافل علمی و سازمان‌ها و آسیب‌پذیری اخلاقی پژوهش، نیاز به مقوله اخلاق در پژوهش را نمایان می‌سازد. مسئله مقاله حاضر جستجوی اضلاع معرفتی دانشی است که بتواند مسائل اخلاقی پژوهش را در چارچوب نظری و با روش‌شناسی معین تحلیل کند. فرضیه تحقیق، امکان دست‌یابی به اخلاق پژوهش به منزله یک دانش با اضلاع معرفتی معین است. روش آزمون فرضیه، تحلیل منطقی براساس الگوی علم‌شناسی رایج در سده‌های اخیر نزد دانشمندان مسلمان، الگوی علم‌شناسی اصولیان، است. بر این اساس، اخلاق پژوهش فراتر از توصیه‌های اخلاقی، دانشی منسجم را به دست می‌دهد که با اهداف، منابع، رهیافت‌ها و روش‌شناسی مشخص، امکان تشخیص درست و حل اثربخش مسائل اخلاقی را میسر می‌سازد. بدین ترتیب، مواجهه مبتنی بر آزمون و خطای فردی و اخذ مواضع عجالتی در قبال معضلات اخلاقی در پژوهش جای خود را به تحلیل روشمند و علمی می‌دهد و دستیابی به چنین دانشی می‌تواند برنامه‌های پیشگیری و درمان آسیب‌های اخلاقی در پژوهش و نیز برنامه‌های ترویج اخلاق نزد محققان و مؤسسه‌های پژوهشی را توسعه دهد.

■ واژگان کلیدی:

پژوهش، اخلاق، اخلاق پژوهش، هویت معرفتی، هویت اسلامی علم اخلاق.

اخلاق پژوهش به منزله یک دانش

جستجو در اضلاع و هویت معرفتی اخلاق پژوهش

نسرین بحرینی

استادیار دانشگاه تهران

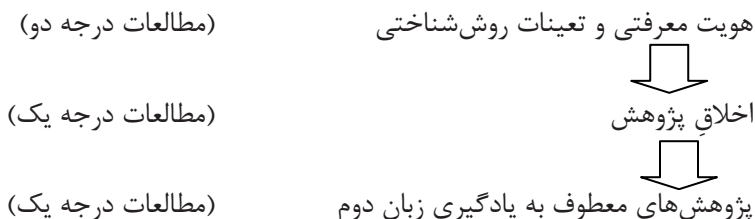
nbahrainy@ut.ac.ir

بیان مسئله

هر پژوهشی به یک گستره معرفتی متعلق است. این امر تنوع چارچوب‌ها، روش‌ها و اهداف پژوهش را نشان می‌دهد. پژوهش حوزه‌های بسیار متنوعی دارد از جمله پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی، پزشکی، پرستاری، حقوقی و ژنتیکی. پژوهش ارتباط وثیق با سرنوشت جوامع و منافع فردی و گروهی انسان‌ها دارد. از آنجا که گاهی سرنوشت فردی و گروهی انسان‌ها به شیوه یا نتایج پژوهش وابسته می‌گردد، بحث اخلاق در پژوهش اهمیت خود را نشان می‌دهد. در آسیب‌شناسی پژوهش به مواردی از جمله جعل نتایج، سرقت ادبی، نقض استانداردهای اخلاقی در رابطه با انسان و ... برمی‌خوریم که لزوم پرداختن به اخلاق پژوهش را دوچندان می‌کند. امروزه در غالب شاخه‌های پژوهش، اخلاق پژوهش به منزله حوزه‌ای قابل بحث و تحقیق، مطرح است. با توجه به پژوهش‌هایی که در اخلاق پژوهش انجام شده این سؤالات به ذهن متبادر می‌شود که آیا اخلاق پژوهش صرفاً توصیه‌ها یا قواعد اخلاقی کلی تعریف شده است و یا شاخه‌ای علمی است که همانند دیگر شاخه‌های علمی دارای هویتی معرفتی است. اخلاق پژوهش از جایگاه معرفتی برخوردار است که توجه به آن به دلیل ارتباط داشتن با جامعه و سرنوشت بشر بسیار ضروری است. مسئله تحقیق حاضر تبیین هویت معرفتی اخلاق پژوهش به عنوان شاخه‌ای علمی و ترسیم هندسه معرفتی برای آن است.

توسعه مسائل اخلاق پژوهش، مطالعات نظام‌مند فراوانی را در هر یک از گستره‌های معرفتی به میان آورده است. اخلاق در پژوهش‌های پزشکی چنان توسعه یافته است که خود را به منزله یک شاخه معرفتی می‌نماید. مطالعات اخلاق در سایر گستره‌های معرفتی نیز همچون اخلاق در پژوهش‌های مهندسی، پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصاد، زبان‌آموزی و ... رو به افزایش است. به موازات توسعه اخلاق پژوهش در گستره‌های معرفتی مختلف (به عنوان مطالعات درجه یک^۱، مثلاً اخلاق در پژوهش‌های پزشکی یا مهندسی یا علوم انسانی)، مطالعات درجه دو^۲ در زمینه چارچوب نظری، روش و منابع معرفتی «اخلاق پژوهش» در هر یک از این گستره‌ها به میان می‌آید. به عنوان نمونه می‌توان پرسید: آیا پژوهش در حل مسائل اخلاقی پژوهش در علوم معطوف به انسان (مثل روان‌شناسی یا زبان‌آموزی) دارای چارچوب نظری خاص، روش و منابع معین است؟ ارتباط طولی این دو گونه تأمل (درجه اول و درجه دوم) در نمونه مطالعات یادگیری زبان دوم یا زبان بیگانه در نمودار یک نشان داده شده است.

1. First Order Studies
2. Second Order Studies



نمودار ۱: ارتباط طولی دو گونه مطالعات (درجه اول و درجه دوم)

تقریر مسئله با توجه به آنچه بیان شد به این صورت است: آیا اخلاق پژوهش را می‌توان به منزله یک دانش تلقی کرد؟ اگر پاسخ مثبت است اضلاع معرفتی آن از جمله روش‌شناسی و منابع معرفتی آن کدام است؟

فرضیه تحقیق این است که اخلاق پژوهش صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی نیست بلکه یک دانش از گستره اخلاق حرفه‌ای است که مسائل اخلاقی پژوهش را در هر یک از دانش‌ها به نحو روش‌مند و براساس منابع معین تحلیل می‌کند.

طرح چنین مسئله و فرضیه‌ای در جامعه ما می‌تواند نخستین گام در رشد اخلاق پژوهش باشد. بر این اساس می‌توان انبوه مسائل اخلاقی پژوهش را نیز مانند مسائل سایر حوزه‌های معرفتی با روش‌های علمی تشخیص داد و آنها را حل کرد.

روش آزمون فرضیه در این تحقیق تحلیل منطقی براساس الگوی علم‌شناسی جدید در دوره اسلامی است. دانشمندان مسلمان به‌ویژه اصولیان در سده‌های اخیر پس از نقد الگوی ارسطویی علم‌شناسی به ارائه الگوی جدیدی دست زده‌اند. در این الگو موضوع محور اساسی علم نیست و نسبت مسائل با موضوع، عرضی ذاتی نیست. بلکه هدف داشتن، روش‌مند بودن و داشتن چارچوب نظری دانش به‌ویژه منابع، از ارکان اساسی معرفتند (فرامرزی قراملکی و مظهر قراملکی: ۱۳۷۳).

مبادی تصویری پژوهش

پژوهش حاضر بر چند مبادی تصویری و تصدیقی استوار است. ابهام در مبادی تصویری می‌تواند موجب اخلال در فرایند پژوهش گردد. لذا به اختصار دو مفهوم اساسی (پژوهش و اخلاق) را توضیح می‌دهیم. پژوهش یا تحقیق روندی آگاهانه، فعالانه و سامان‌مند برای کشف، تعبیر و بازنگری پدیده‌ها، رخدادها، رفتارها و فرضیه‌هاست (فرری و ولمن، ۲۰۰۵: ۱). پژوهش دارای دو مرحله «یافتن پرسش پژوهش» و «پاسخ دادن به آن» است. پژوهش را فرایند تحلیل اطلاعات به نحو نظام‌مند، متعلق به گستره خاصی از دانش و با هویت جمعی دانسته‌اند که در مقیاس گستره معرفتی به نوآوری (تولید علم) می‌انجامد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵).

اساساً پژوهش را بر دو نوع تقسیم‌بندی کرده‌اند: پژوهش‌های پایه‌ای (یا بنیادی) و پژوهش‌های کاربردی. پژوهش‌های بنیادی می‌توانند زمینه پژوهش‌های کاربردی را فراهم آورند اما خود این پژوهش‌ها متوجه کاربرد آنها در زندگی انسان‌ها نیستند. در مقابل، پژوهش‌های کاربردی دارای جنبه علمی‌اند و مستقیماً متوجه حل مشکلات جامعه و بشریت‌اند. مثلاً تصمیم‌گیرندگان و مدیران هر کشور یا سازمان به منظور کسب توانایی اداره آن کشور یا سازمان نیازمند پژوهش‌های کاربردی‌اند تا بتوانند مشکلات جامعه و سازمان خود را حل و فصل نمایند. اما خود پژوهش‌های کاربردی مورد نیاز ایشان مبتنی بر پژوهش‌های بنیادی‌اند.

تعاریف گوناگونی از اخلاق در دست است. برخی اخلاق را مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف می‌کنند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود بروز و تجلی می‌یابد (طوسی، ۱۳۶۴: ۹). استمرار رفتاری خاص دلیل بر این است که این رفتار یک ریشه درونی و باطنی در عمق جان و روح فرد یافته که آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند. عده‌ای اخلاق را رفتار ارتباطی پایدار مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط می‌دانند که سه حوزه درون شخصی، بین‌شخصی و برون‌شخصی را شامل می‌شود (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۷). یعنی افراد در تعامل با خویش، با دیگر انسان‌ها و در رفتار با طبیعت و موجودات دیگر از مسئولیت اخلاقی برخوردارند. عموماً دامنه اخلاق در حد رفتارهای فردی منحصر می‌شود، اما رفتارهای فردی وقتی که در سطح جامعه یا نهادهای اجتماعی و سازمان‌ها تسری می‌یابد، به نوعی اخلاق اجتماعی و سازمانی تبدیل می‌شود که ریشه در فرهنگ آن جامعه و نیز آن سازمان خاص می‌دواند و نوعی وجه غالب می‌یابد که آن جامعه، سازمان و یا حرفه خاص را می‌توان با آن شناخت و از بقیه متمایز ساخت.

اخلاق پژوهش

از آنجا که روش‌ها و نتایج حاصله از پژوهش‌های کاربردی با سرنوشت و زندگی انسان‌ها سروکار دارد و حتی پژوهش‌های بنیادی نیز گاهی به طور غیرمستقیم با منافع فردی و گروهی انسان‌ها مرتبط می‌شوند، بحث از اخلاق پژوهش اهمیت خود را نشان می‌دهد. پژوهش به لحاظ ماهیتی با هدف تأثیرگذاری بر زندگی بشر انجام می‌پذیرد و فرایندی است که مؤثر بر سرنوشت اوست و نه تنها بشر کنونی را در نظر می‌گیرد حتی بر آیندگان و زندگی آنها نیز تأثیرگذار است. از سوی دیگر هر پژوهشی از گذشته متأثر است و بر پایه اطلاعات و بازنگری پدیده‌ها و رفتارها انجام می‌پذیرد. به لحاظ اینکه پژوهش‌ها عموماً دارای هویت جمعی‌اند و در مراحل مختلف پژوهش با افراد مختلف سروکار دارند لاجرم باید با اخلاق رابطه و تعامل داشته باشند.

اخلاق پژوهش شاخه‌ای از اخلاق کاربردی^۱ است. اگر پژوهش را با توجه به توسعه امروزی آن، حرفه بدانیم،^۲ می‌توان آن را شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای^۳ دانست که به بررسی مسائل اخلاقی در حرفه پژوهش می‌پردازد. شایان ذکر است که اخلاق حرفه‌ای خود شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که (در تمایز با اخلاق نظری) به تبیین مباحث اخلاقی در حرفه می‌پردازد و بر حسب گوناگونی حرف گستره وسیعی دارد که از آن میان می‌توان به اخلاق مهندسی، اخلاق پزشکی، اخلاق آموزش و پرورش، اخلاق کسب و کار و اخلاق پژوهش اشاره کرد.

علم اخلاق حرفه‌ای در درجه اول دارای هویت معرفتی است و به منزله یک دانش در حوزه علوم انسانی قرار دارد. از این رو علم اخلاق برای پیشرفت و توسعه‌اش و نیز در بُعد کاربردی‌اش برای تأثیرگذاری و کارآمدی مستلزم پژوهش و تحقیق نظام‌مند است و این محتاج معین شدن همه اضلاع معرفتی آن است. اخلاق پژوهش نیز به منزله یک مطالعه نظام‌مند به مسائل مختلفی می‌پردازد از جمله:

آیا تحقیق در هر موردی اخلاقی است؟ آیا به لحاظ اخلاقی پژوهشگر مجاز به تحقیق در هر امری هست؟ آیا تمسک به هر متد و روشی برای پیش‌برد هدف پژوهش رواست؟ آیا به هر قیمتی می‌توان شرکت‌کنندگان در پژوهش را مورد آزمایش قرار داد؟ و یا علی‌رغم رضایت ایشان، آنها را وادار به مصاحبه و تخلیه اطلاعاتی محرمانه کرد؟ در تمامی مراحل پژوهش از جمله طرح مسئله، هدایت تحقیق، روش تحقیق و شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات، رعایت حقوق شرکت‌کنندگان در تحقیق و تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده باید اخلاق لحاظ شود.

گستره اخلاق پژوهش به اندازه‌ای وسیع است که عوامل و متغیرهای زیادی را دربرمی‌گیرد. فریب ندادن شرکت‌کنندگان در تحقیق و جلب رضایت ایشان، حفظ اسرار محرمانه، سرقت نکردن آثار علمی دیگران، دقت و درستکاری در تمامی مراحل تحقیق، مسئولیت فردی و شخصی هر تحقیق را پذیرفتن، قدردانی و سپاس از کمک دیگران و ... نمونه‌هایی از این گستره‌اند. فلورنس کولانتونو^۴ (۲۰۰۹) ضمن برشمردن مواردی از رفتارهای اخلاقی در پژوهش اشاره می‌کند که سوء رفتار و بداخلاقی علمی به منزله نقض کدها، مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های استاندارد در پژوهش‌های علمی - حرفه‌ای می‌باشد.

دیوید گوداشتاین^۵ (۲۰۰۲) نیز مواردی از خلاف‌کاری‌های علمی و پژوهشی را برمی‌شمرد و اذعان می‌دارد که انگیزه‌های ارتکاب تخلف و تقلب در کارهای پژوهشی از جانب پژوهشگران می‌تواند فشار شغلی و حرفه‌ای، سهولت جعل کردن، سرقت ادبی، عدم موفقیت در چاپ

1. Applied Ethics

۲. تفصیل بحث در ماهیت حرفه را ر. ک: فریدسن، ۲۰۰۱

3. Professional Ethics

4. F. Colantuono

5. D. Goodstein

یافته‌هایی که برخلاف علائق محقق یا اسپانسر تحقیق است و بسیاری موارد دیگر باشد.

اضلاع معرفتی اخلاق پژوهش

اهمیت و فراوانی مسائل اخلاقی در پژوهش ضرورت روی آورد روش‌مند به حل این مسائل را نشان می‌دهد. روی آورد روش‌مند خود محتاج چارچوب نظری معین است و اخلاق پژوهش به منزله یک دانش این چارچوب نظری را تأمین می‌کند. برای اثبات این ادعا می‌توان هر یک از اضلاع معرفتی چنین دانشی را مورد تحلیل قرار داد. این اضلاع شامل اهداف، رهیافت‌ها، روش‌ها و منابع است.

۴.۱. اهداف معرفتی اخلاق پژوهش

اهداف اخلاق پژوهش را می‌توان با توجه به اهداف علم اخلاق بیان کرد که اخلاق پژوهش شاخه‌ای از آن است. فارابی دو هدف را برای علم اخلاق بیان می‌کند: بیان فضائل و رذایل اخلاقی و نحوه تخلق افراد به فضائل (فارابی، ۱۳۸۴). این دو هدف به ترتیب دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی تربیتی است. عده‌ای در میان اهداف علم اخلاق حرفه‌ای، عناصر دیگری را نیز بر آن افزوده‌اند: بیان مسئولیت‌های اخلاقی صاحبان حرف، حل مسائل اخلاقی در حرفه (مهارت‌های تشخیص و حل اثربخش) (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۷).

بر این اساس اخلاق پژوهش اهداف معرفتی زیر را تعقیب می‌کند: ۱- بیان فضائل و ارزش‌ها و بیان رذائل اخلاقی در امر پژوهش ۲- بیان نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی پژوهشگران در دو مقیاس فردی و مؤسسه پژوهشی (سازمانی) ۳- تشخیص و حل مسائل اخلاقی در پژوهش ۴- ترویج، آموزش و تربیت اخلاقی در سازمان‌های پژوهشی.

۴.۲. رهیافت‌های عمده در اخلاق پژوهش

اخلاق پژوهش به منزله یک شاخه معرفتی با دو نوع رویکرد به بررسی مسائل می‌پردازد: رویکرد فردگرایانه و رویکرد سازمانی. در اولین رویکرد، اخلاق پژوهشگران به عنوان شخصیت حقیقی و فردی مد نظر قرار می‌گیرد و مستقیماً مسئولیت اخلاقی در فرایند پژوهش متوجه شخص پژوهنده می‌گردد. تحقیقاتی همچون تحقیقات پزشکی در مورد سلول‌های بنیادین^۱، تحقیقات مرتبط با انرژی هسته‌ای و تحقیقاتی در زمینه علوم انسانی مثلاً آموزش زبان خارجی به عنوان زبان دوم یا زبان بیگانه^۲ یا ترجمه و برگرداندن از زبانی به زبان دیگر، بعضاً با حقوق خصوصی افراد در تعارض قرار می‌گیرد. شاید در حرف خاصی اشاره به رفتارهای غیراخلاقی آسان باشد (مثلاً خانه‌ای که طبق اصول صحیح مهندسی و معماری بنا نشده و به اندک آسیبی

1. Stem Cell Research

2. Second Language vs. Foreign Language

فرو می‌نشینند، یا گودبرداری‌های غیراصولی که منجر به تخریب خانه‌های همسایگان گشته یا در روند پذیرش و درمان بیماران فقط به پول اندیشیده شود) ولی در مورد مترجم زبان خیلی واضح نباشد. مترجمین گاهی در معرض اطلاعات محرمانه‌ای قرار می‌گیرند که باید آنها را به زبان دیگر ترجمه کنند، این اطلاعات می‌تواند شخصی یا سازمانی باشد و از اسرار فردی و خانوادگی مراجعه کننده تا اسناد محرمانه دولتی را دربرگیرد. مترجم باید محرم اسرار مراجعین خود باشد. مورد دیگر رفتار غیراخلاقی در مورد مترجمین، پایبند نبودن به زمان مقرر برای ترجمه و آگاه نکردن مراجعه کننده از این امر می‌باشد. بدقولی برای انجام ترجمه نه تنها به وجهه مترجم لطمه می‌زند بلکه کاری غیراخلاقی به شمار می‌رود. این تعارضات و دغدغه‌های اخلاقی موجب تدوین برخی اصول اخلاقی گشته تا پژوهندگان را در چارچوب رعایت آن اصول ملتزم گرداند.

در رویکرد سازمانی بر مسئولیت‌های اخلاقی مؤسسه‌ها و نهادهای پژوهشی تأکید می‌گردد. امروزه اکثر حرف و مشاغل در درون سازمان‌ها قرار گرفته‌اند. سازمان‌ها به عنوان شخصیت حقوقی تأثیر بسیار گسترده و عمیقی بر زندگی انسان‌ها دارند. حتی این تأثیرگذاری بسیار بیشتر از تأثیر پژوهشگران به عنوان اشخاص حقیقی می‌باشد. سازمان‌ها دارای عملکردند و عملکرد آنها زندگی انسان‌ها و سرنوشت جوامع را در محیط درونی و بیرونی سازمان تحت تأثیر قرار می‌دهد و لذا بسیار مؤثرتر از افراد در جامعه عمل می‌کنند. به همین دلیل سازمان‌ها می‌توانند سازنده یا مخرب باشند و حقوق افراد را حفظ یا پایمال کنند. سازمان‌ها می‌توانند اخلاقی و یا غیراخلاقی عمل کنند. پایبندی به الزام‌های اخلاقی در سازمان نمی‌تواند فقط بر مبنای اصول اخلاقی استوار باشد، بلکه مؤسسه‌های پژوهشی باید با آشنایی کامل از عناصر محیط پژوهش، حقوق هر کدام را در نظر گرفته و پس از دسته‌بندی و اولویت‌بندی آنها منشور چندوجهی اخلاق پژوهش را تدوین نمایند. منشوری که ضمن بیان اخلاق پژوهش بتواند به تشخیص و حل مسائل اخلاقی در این حوزه کمک کند.

۴.۳. روش در اخلاق پژوهش

یکی از اضلاع معرفتی هر گستره علمی روش آن است. مطالعات نظام‌مند در اخلاق پژوهش بر کدام روش استوار است؟ دیدگاه‌های مختلفی در این میان وجود دارد که غالب آنها تابع تحلیل از روش در اخلاق کاربردی است. این دیدگاه‌ها را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به نظریه‌های روش بسیط و روش مرکب تقسیم کرد.

۴.۳.۱. نظریه‌های روش بسیط. این نظریه‌ها روش ساده‌ای را در تحلیل مسائل اخلاقی در حوزه اخلاق کاربردی، به صورت عام، و در حوزه اخلاق پژوهش، به صورت خاص، ارائه

می‌دهند: دو روش قیاس^۱ و استقراء^۲ نمونه‌ای از نظریه‌های روشی بسیط است. بیوچامپ^۳ (۲۰۰۵) آن دو را به ترتیب مدل از بالا به پایین^۴ و مدل از پایین به بالا^۵ می‌نامد. براساس دیدگاه نخست روش تحقیق در اخلاق پژوهش، شیوه قیاس است. در این شیوه برای استنتاج حکم اخلاقی یک قاعده کلی اخلاقی به منزله کبری و نمونه عینی در حوزه پژوهش به منزله صغری اخذ می‌شود و به طریق قیاس حکم اخلاقی آن مورد به دست می‌آید. تصمیم‌گیری در اخلاق پژوهش در واقع مانند سایر حوزه‌های اخلاق کاربردی حاصل قیاس است (نک، تامفجو، ۲۰۰۲: ۴). در این مدل پژوهش، مسائل اخلاق پژوهش با تأکید بر فرضیه‌های اخلاقی و هنجارها و معیارهای عمومی و کلی پژوهش انجام می‌شود. بدین صورت که فرضیه‌ها و انگاشت‌های کلی موجود، مبنا و اساس پژوهش‌های جدید قرار می‌گیرند و برای موقعیت‌ها و موارد خاص و جزئی به کار می‌روند. روش پژوهش در این مدل استفاده از یک قانون کلی (یا اصل) اخلاقی برای موارد خاصی است که می‌توانند تحت سیطره آن اصل یا قانون واقع شوند. در موارد ساده این مدل کارایی دارد ولی یکی از اشکالات این الگو آن است که توالی و ترتیبی را ارائه می‌دهد که در آن اصول کلی در اخلاق پژوهش بر اعمال و قوانین سازمانی و قضاوت‌های موردی پیشی می‌گیرند. در حالی که این سبقت در دنیای واقعی اشکالاتی دارد. اول اینکه قضاوت‌های اخلاقی در موارد سخت و پیچیده مستلزم این است که ما خود معیارها و استانداردها را جزئی‌تر و خاص‌تر کنیم و از حالت کلی درآوریم تا بتوانیم یک نمونه خاص را تحت آن قانون قرار دهیم و در این روند باید باورهای واقعی اخلاقی راجع به جهان، انتظارات فرهنگی، قضاوت‌های راجع به نتایج احتمالی پژوهش، اولویت قائل شدن برای متقدمین هر پژوهش را مد نظر قرار دهیم. در این موارد خاص تقدم اخلاقی واضحی وجود ندارد. اشکال دوم این است که یک موقعیت ممکن است به گونه‌ای باشد که هیچ قانون یا هنجار کلی نتواند به روشنی در مورد آن به کار رود و هنجارهای اخلاقی مختلف ممکن است نتایج متناقضی به دست دهد. همچنین قیاس همواره یک پس‌رفت و سیر قهقراپی بالقوه‌ای از توجیه را ایجاد می‌کند، یعنی یک تقاضای تمام نشدنی برای توجیه نهایی. زیرا هر مرحله خود مستلزم تمسک به مرحله بالاتری برای توجیه است. در تئوری می‌توان هنجار و معیاری ترسیم کرد که خودش معتبر است و دیگر نیازی به توجیه ندارد ولی در عمل نمی‌توان به چنین معیاری دست یافت.

دومین دیدگاه در روش‌های بسیط، شیوه‌های استقرایی و تمثیلی است. این شیوه برخلاف روش قبلی نه بر اصول کلی اخلاقی بلکه بر روی تصمیمات عملی موردی تکیه می‌کند. طرفداران

1. Deduction
2. Induction
3. Beauchamp
4. Top-Down Models
5. Bottom-Up Models
6. TammfjÖ

این مدل بر این باورند که استدلال اخلاقی از پایین به بالا حرکت می‌کند نه از بالا به پایین. ایشان نقطه شروع پژوهش را استفاده پژوهشگر از فعالیت‌ها و توافقات اجتماعی موجود، موارد بدیع و جدید و قیاس‌های تطبیقی موردی می‌دانند که معمولاً براساس آنها تصمیمات و اصول اخلاقی ساخته می‌شوند. در واقع ایشان معتقدند که باورهای اخلاقی براساس نمونه‌های موردی و تجربه‌های سخت و مقایسه با فعالیت‌های پیشین به دست می‌آیند و در روند و ترتیب دانش، این باورها و اصول مأخوذ از مواردند نه پیش‌زمینه آنها. جانسن و تولمین^۱ (۱۹۸۸) اذعان می‌دارند که معنا، عملکرد و وزن یک اصل اخلاقی از تلاش‌های اخلاقی قبلی در شرایط و موقعیت‌های خاص مشتق می‌شوند. استقراء بدین گونه باور دارد که اخلاق اجتماعی از اجماع و وفاق اجتماعی، که پیرامون موارد خاص شکل گرفته، توسعه می‌یابد، که بدون از دست دادن حکمت اخلاقی گردآمده می‌تواند به موارد جدید تعمیم یابد. همان طور که موارد مشابه و قضاوت‌های همسان پیش می‌آید، یک جامعه به طرز فزاینده‌ای در استنتاجات اخلاقی‌اش مطمئن تر می‌شود و قوانین و اصول کلی استوار و محکمی را پایه‌ریزی می‌کند.

اما این مدل نیز همانند قیاس دارای اشکالاتی است. نخست اینکه هواداران این مدل به گونه‌ای نتایج کارشان را می‌نگارند که گویی موارد نمونه یا موقعیت‌های خاص از پیش خود حاصل می‌شوند و یا اینکه قضاوت‌های اخلاقی را فقط براساس حقایق خود اعلام می‌دارند. در حالی که چنین نیست. برای حرکت سازنده از موردی به مورد دیگر، قانون یا اصل برجسته‌ای از ارتباط اخلاقی باید باشد که موارد را به همدیگر متصل کند. این قانون بخشی از آن مورد نیست بلکه راهی برای تفسیر و اتصال موارد به یکدیگر است. استدلال قیاسی مستلزم داشتن یک معیار متصل‌کننده است که اشاره کند که یک حادثه یا شیء در موارد مرتبط شبیه یکدیگر است یا خیر و برای کشف یا خلق چنین معیارهایی نمی‌توان به خود قیاس اکتفا کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که استقراء، اصول، قوانین یا قواعد کلی را به عنوان عناصر اخلاقی ضروری از پیش مفروض می‌دارد.

اشکال دیگری که این مدل دارد وقتی است که تمثیل‌ها، قضاوت‌ها و تفسیرهای موردی با یکدیگر در تضاد و تناقض باشند. طرفداران این مدل تأکید می‌کنند که موارد و موقعیت‌های خاص به ورای خودشان اشاره دارند و به سمت تعمیم یافتن حرکت می‌کنند، ولی توجه نمی‌کنند که ممکن است مسیر توسعه آن موارد اشتباه باشد اگر از ابتدا بر پایه نادرستی بنا شده باشند اما استقراء هیچ مرجع روش‌مند و نظام‌مند آشکاری ندارد که از توسعه متعصبانه موارد جلوگیری کند. مدل قیاسی، روشی بدون محتوا را ارائه می‌کند یعنی ابزاری فکری که اهمیت بنیادین مقایسه موردی و قیاس را در تفکر اخلاقی به نمایش می‌گذارد ولی فاقد قضایای منطقی اخلاقی اولیه است.

۴.۳.۲. نظریه‌های روش ترکیبی (مرکب). امروزه، همان گونه که در بسیاری از گسترده‌ها

معمول است، روش‌های ترکیبی مورد توجه قرار می‌گیرد. مدل‌های مختلفی برای نظریه‌های روش ترکیبی وجود دارد. دو نمونه را در اینجا بررسی می‌کنیم: مدل تلفیقی منسجم و مدل چالش گفتگویی. مدل نخست را بیوچامپ (۲۰۰۵: ۱۰) مدل انسجام‌گرایی^۱ (یا توازن انعکاسی) می‌نامد. از نظر وی مدل جان راولز^۲ یکی از این مدل‌هاست. او معتقد است که برای توسعه و ابقاء یک نظام اخلاقی، باید از بیشترین تعداد ممکن قضاوت‌های اخلاقی در مورد یک موضوع خاص شروع کرد و یک‌سری اصولی را بنا نهاد که آنها را بازتاب دهد. مدل انسجام‌گرایی، تحقیق و بررسی در اخلاق (و فرضیه‌سازی بر مبنای آن) را به عنوان یک سنجش انعکاسی از اصول اخلاقی و فرضیه‌ها و دیگر باورهای اخلاقی برای هم‌بسته ساختن آن اصول در نظر می‌گیرد.

راولز (۱۹۹۶ و ۱۹۹۹) معتقد است که حتی «قضاوت‌های صحیح» که ما به صورت موقتی و مشروط به عنوان نکات ثابت در نظر می‌گیریم، در معرض تجدیدنظر هستند. هدف توازن انعکاسی، جور کردن، هرس کردن و وفق دادن آن قضاوت‌ها به منظور هماهنگ کردن آنها با قضایای ثابت و کلی اخلاقی است. روش کار بدین گونه است: ما با قضاوت‌های محکم و مستدل راجع به درستی یا نادرستی اخلاقی شروع می‌کنیم و سپس براساس آن یک گزارش کلی‌تر و یک گزارش خاص‌تر می‌سازیم. سپس آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم تا اگر نتایج غیرمنسجمی به دست دادند دوباره آنها را تنظیم کرده و فرایند پژوهش را تجدید کنیم. هرگز نمی‌توان یک توازن کاملاً تثبیت شده‌ای را فرض کرد بنابراین عمل هرس کردن و تنظیم کردن می‌تواند استمرار یابد. در اخلاق پژوهش نمی‌توان انتظار داشت که روند رسیدن به انسجام اخلاقی به کمال یا پایان برسد. یک چارچوب اخلاقی مناسب برای اخلاق پژوهش، بیشتر یک روند و جریان^۳ است تا یک محصول تمام شده^۴. در اخلاق کاربردی (و پژوهش) باید فرض کرد که با یک پژوهش و جستجوی دائمی تمام نشدنی برای موقعیت‌های جدید و ناهمبستگی‌ها مواجهیم که پیوسته چارچوب اخلاقی فعلی ما را به چالش می‌کشد.

مدل دیگر در روش‌های ترکیبی، مدل چالش و گفتگوی بین رهیافت‌های مختلف است. در این مدل به جای تلفیق شیوه‌ها، رهیافت‌های مختلف را به چالش گرفته و این چالش را به صورت گفتگوی اثربخش مدیریت می‌کنند. حاصل این چالش به میان آمدن رهیافت کل‌نگر، و رویکرد ژرف‌نگر است. گفتگوی اثربخش رهیافت‌ها، محقق را به فرادیدگاه یعنی منظری متعالی می‌نشانند. از آنجا که مسائل اخلاق پژوهش، غالباً مسائل چندتباری است استفاده از الگوهای پژوهشی میان‌رشته‌ای به ویژه الگوهای دیالکتیکی اثربخش‌تر است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۳۹۳-۳۸۸).

1. Coherentism
2. John Rawls
3. Process
4. Product

۴.۴. منابع اخلاق پژوهش

یکی از اضلاع معرفتی هر گستره‌ای منابعی است که محتوای آن معرفت وامدار آنها است. اخلاق پژوهش، به منزله یک دانش، محتوای خود را از کدام منبع می‌گیرد؟ در این رابطه سه نظریه درون‌گرایی، برون‌گرایی و تلفیقی وجود دارد:

۴.۴.۱. نظریه درون‌گرایی. بر مبنای این نظریه، هنجارها و استانداردهای اخلاقی از درون حرفه‌ها می‌جوشد. مک اینتایر^۱ (۱۹۸۴) در زمینه درون‌گرایی یکی از تأثیرگذارترین تعبیر را دارد. او معتقد است که اعمالی که در یک حرفه انجام می‌پذیرند و اعمال خوبی هستند تنها در صورت عضو آن مجموعه و حرفه بودن قابل انجام‌اند. بنابراین هنجارهای موجود در یک حرفه تعیین‌کننده آن است که آیا افراد عمل‌کننده‌ها و شاغلین خوبی هستند یا نه. مک اینتایر معتقد است که هر حرفه تاریخچه و ویژگی خاصی دارد که آداب و سنی را بنا می‌نهد که ایجاب می‌کند افراد آن حرفه پایبند آن آداب باشند (۱۹۸۴: ۱۷، ۱۷۵ و ۱۸۷).

برودی و میلر^۲ (۱۹۹۸) نمونه‌ای از درون‌گرایی را در اخلاق پزشکی می‌دانند که بر طبق آن پزشکان ملتزم به یک‌سری ارزش‌های اخلاقی می‌شوند که ماهیت اخلاق پزشکی را تشکیل می‌دهد. این التزام مسئولیت‌هایی اخلاقی را برای آنها ایجاب می‌کند که در نقش حرفه‌ای‌شان باید آنها را انجام دهند. این پژوهشگران بر این باورند که چارچوب‌های اخلاقی در حرف منتج از وظایف و مسئولیت‌های خاص و ارزش‌های اخلاقی می‌باشند.

کسی منکر این نیست که نقش‌های حرفه‌ای تعهدات و الزامات اخلاقی به بار می‌آورند ولی باید مدنظر داشت که اخلاق درونی ممکن است به اندازه کافی جامع، منسجم و یا حتی از لحاظ اخلاقی قابل قبول نباشد. عرف و معیارهای حرفه‌ای تضمینی برای شایستگی اخلاقی نیستند و متأسفانه نظام‌نامه‌های حرفه‌ای در زمینه‌های مختلف از جمله پزشکی، داروسازی، تجارت، خبرنگاری، مهندسی و ... اغلب یا ضروریات و التزامات اخلاقی را ساده می‌انگارند و یا آنها را به نحو غیرقابل‌دفاعی سخت و شدید می‌کنند.

باید عنایت داشت که بین هنجارهای اخلاقی هسته‌ای مناسب یک حرفه و قوانین غیرنظام‌مند و کوتاه‌فکرانه‌ای که در بسیاری از نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای وجود دارد گاهی تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. برودی و میلر معتقدند که اخلاق درون‌گرایی باید در مواجهه با تغییرات اجتماعی بازبینی و اصلاح شده و تکامل یابد. گرچه این دیدگاه درست است ولی برای درون‌گرایی مهلک است. چرا که مشخص می‌کند که معیارها و هنجارهای درونی ممکن است کم‌ژرفا و مصرف‌شدنی باشند در حالی که برخی معیارهای بیرونی عمیق و اساسی‌اند.

با شواهد تاریخی می‌توان مشاهده کرد که بازسازی معنادار اخلاقیات حرفه‌ای و سازمانی

1. MacIntyre

2. Brody and Miller

سنتی برای وفق دادن تغییرات فرهنگی غیرمحمتمل است که با تمسک به استانداردهای داخلی اخلاق حرفه‌ای اتفاق بیفتد. شاهد این گفته مثالی تاریخی است از اواخر دهه ۱۹۶۰ که کتاب «زمان سخن گفتن فرا رسیده است: در باب ارزش‌های انسانی و پژوهش‌های اجتماعی»^۱ توسط روان‌شناس اجتماعی، هربرت کلمان (۱۹۶۸)، در عکس‌العمل به بسیاری از موارد بحث‌انگیز از سوء استفاده از انسان‌ها در پژوهش‌های اجتماعی توسط جامعه‌شناسان و دانشمندان اجتماعی، به چاپ رسید. کتاب کلمان و این موارد سوء استفاده، نقطه عطفی شد بر هوشیار کردن دانشمندان اجتماعی و معطوف نمودن توجه ایشان به این حقیقت که آنها ناکارآمدی شدیدی در استانداردها و معیارهای اخلاق پژوهش دارند. بنابراین توجه ویژه و دقیقی به قضاوت‌های اخلاقی معطوف شد که روان‌شناسان باید در پژوهش‌ها لحاظ کنند. مسائل و مشکلات فراوانی در عمل رخ نمودند: همچون فریب دادن شرکت‌کنندگان در آزمایش‌ها، گردآوری اطلاعات محرمانه از اشخاص (فاش کردن اسرار محرمانه افراد) و استفاده از انگیزه‌های مالی برای اغوی شرکت‌کنندگان و قانع کردن آنها به شرکت در تحقیق و پژوهش. کاملاً واضح و آشکار شد که هیچ معیار و استاندارد عملی اخلاقی برای پژوهش در این گونه موارد وجود ندارد.

۴.۴.۲. نظریه برون‌گرایی. این نظریه بر آن است که هنجارها و ارزش‌های اخلاقی در حرفه از محیط بیرونی اخذ می‌شود. منابع این اخلاقیات بیرونی آراء عامه مردم، قانون، مؤسسات مذهبی و اخلاق فلسفی می‌باشند. ولی سؤال عمده این است که کدام منبع بیرونی مناسب‌ترین است. برخی بر این باورند که فرضیه اخلاقی اساس مناسبی برای اخلاق کاربردی است. گرت و کلوسر^۲ (۱۹۹۰: ۲۳۲-۲۳۱) بر این باورند که برای داشتن قضاوت‌های مستدل و محکم در اخلاق کاربردی باید یک تئوری اخلاقی واحد داشت. هدف تئوری ایشان این است که یک چارچوب کلی تهیه کنند که تمام گروه‌ها و دسته‌جات درگیر بتوانند بر آن توافق کنند و بتوانند در موقعیت‌هایی که از لحاظ اخلاقی کاملاً واضح نیست راهنمایی کند. گرت و کلوسر عقیده ندارند که هر فرضیه‌ای در کل می‌تواند معیارهای بیرونی مناسبی برای اخلاق کاربردی فراهم کند بلکه معتقدند تنها فرضیه آنها می‌تواند چنین کند و بقیه فرضیه‌ها ناقص‌اند و لذا ناتوان از چنین کاری. طرفداران تئوری‌های دیگر هم عموماً دیدگاهی مشابه ایشان دارند. یعنی هر کدام تصور می‌کنند تئوری آنها کارآمد است و بقیه ناکارآمد. جدای از این سرگشتگی بین فرضیه‌های مختلف، مشخص نیست که بر فرض هم که یک چنین فرضیه‌ای موجود باشد چگونه این فرضیه فلسفی می‌تواند برای انتقاد از معیارهای درونی یا حل مشکلات سخت اخلاقی به کار برده شود. در حال حاضر چنین فرضیه‌ای وجود ندارد و یا حتی اگر کسی اعتقاد داشته باشد که وجود دارد باید قبول کند که قانع کردن مخالفان کار بسیار دشواری است. مسئله دیگری که در این رابطه وجود دارد بدبینی و شکاکیت نسبت به جنبه عملی اخلاق و ارتباط آن با تئوری

1. A Time to Speak: on Human Values and Social Research. Herbert Kelman, 1968.

2. Gert and Clouser

است. فلاسفه به طور سنتی کوشیده‌اند اخلاق را توضیح داده و تبیین کنند، مفاهیم اخلاقی را واضح سازند، بررسی کنند که قضاوت‌ها و مباحث اخلاقی چگونه ساخته می‌شوند و ... اما هیچ‌گاه تئوری‌ها را برای حل مشکلات عملی اخلاقی یا ترسیم نظام‌نامه‌های اخلاق پژوهش به کار نبرده‌اند. تئوری‌های کلی برای کارهای عملی بسیار ناکارآمدند چرا که اساساً از عمل جدایند. تئوری‌های فلسفی گرچه درباره اخلاقیات‌اند ولی عمدتاً تلاش‌هایی برای فهم آنها نیستند نه تلاش‌هایی در جهت عملی کردن آنها.

۴.۴.۳. نظریه تلفیقی. سومین نظریه در مورد محتوای اخلاق پژوهش تلفیقی از دو نظریه قبلی است یعنی تعهدات و الزامات اخلاقی به طرق گوناگونی در فرهنگ‌ها و جوامع و گروه‌های مختلف به کار برده می‌شوند. اعضای حَرَف و سازمان‌های معتبر نه تنها به واسطه عضویت‌شان در آنها، توسط استانداردهای اخلاقی پژوهشی آن گروه و حرفه و سازمان متعهد می‌شوند، بلکه به استانداردهای اخلاقی جامعه یا فرهنگ وسیع‌تری نیز پایبند می‌گردند. اگر لازم باشد از سازمان‌ها و افراد پژوهشگر انتظار می‌رود که اعمال و رفتارهایشان را اصلاح کنند به گونه‌ای که قوانین اخلاقی رایج در جامعه بزرگ‌تر در عمل ارج نهاده شود. این استانداردهای اجتماعی از جامعه‌ای به جامعه‌ای فرق می‌کند و به تبع آن اخلاقیات درونی نیز فرق خواهد کرد زیرا آنها نیز بر اخلاقیات بیرونی مبتنی‌اند.

انگلهاردت و وایلدرز^۱ (۱۹۹۴: ۴۷ و ۱۳۵) اعتقاد دارند که اختلاف عمیقی بین ماهیت و ملزومات اخلاقی در مقیاس وسیع‌تری در جوامع بزرگ‌تر همچون جوامع هندو، کاتولیک، یهودی و سکولار وجود دارد. «برای غریبه‌هایی که به واسطه یک جامعه واحد با معیارهای اخلاقی مشترک به همدیگر مربوط نمی‌شوند راهی برای یافتن و کشف راه‌حل‌هایی اخلاقی که برای دوستان اخلاقی به کار می‌رود وجود ندارد. غریبه‌های اخلاقی دنیا را به یک شکل نمی‌نگرند و لذا نمی‌توانند درگیری‌های اخلاقی را با بحث‌های منطقی قوی حل کنند. اما دوستان اخلاقی کسانی هستند که در قانون اصلی شریک‌اند و بدان پایبند».

مطابق دیدگاه این پژوهشگران هیچ اخلاقیات محتوایی نمی‌تواند جوامع مختلف را دربرگیرد. مثلاً دیدگاه هندوئیسم فقط برای بخشی از ملت هندو که هنجارهای مشخص آن را قبول دارد می‌تواند تعیین کند چه چیزی قابل قبول و چه چیزی غیرقابل قبول است. استانداردهای اخلاقی در این دیدگاه تلفیقی در مورد آنچه برای پژوهشگران همانند دیگر صاحبان حَرَف مثل پزشکان، معلمان، مهندسين و ... الزام‌آور است، از تعهدات و الزامات گسترده‌تر اخلاقی جامعه بزرگ‌تر و به دنبال آن جامعه کوچک‌تر حرفه‌ای و شغلی نشئت می‌گیرد.

انگلهاردت (۱۹۹۶: ۲۴ و ۱۰۵) اظهار می‌دارد که اخلاقیات درونی نمی‌توانند ریشه‌هایشان را از اخلاقیات بیرونی جوامع خاص یا فرهنگ‌های خاص بیرون بکشند و فرار کنند. گرچه این دیدگاه رابطه بین دو اخلاق درونی و بیرونی را نشان می‌دهد اما اشکالات زیادی نیز

دارد. مثلاً پزشکان سراسر عالم اهداف و تکنیک‌های مشابهی در مورد معالجه، تسکین درد، توان‌بخشی، آزمایشات تشخیصی و بالینی و ... دارند و یا در همه جای دنیا سرقت علمی در پژوهش و استفاده از منابع دیگران بدون کسب اجازه از ایشان و عدم رعایت امانت در پژوهش عملی نکوهیده و غیراخلاقی است. در حرفه خاصی مثل پژوهش یا پزشکی، دیدگاه‌های اخلاقی و هنجارهای اخلاقی حرفه‌ای مشابهی (هر چند محدود) وجود دارد گرچه از فرهنگ‌ها و جوامع مختلفی باشند. همچنین انتظار می‌رود در بین دوستان اخلاقی متعلق به یک جامعه توافقات زیادی وجود داشته باشد و در میان‌شان یکپارچگی به چشم بخورد که حاصل آن، توافق ثابت و قابل اعتمادی در رابطه با هدف حرفه و اخلاق حرفه‌ای‌شان است اما در جوامع، ما شاهد کثرت دیدگاه‌ها هستیم. این جوامع در مقیاس کوچک‌تر و در حرف و مشاغل و سازمان‌ها نیز دارای دیدگاه‌های اخلاقی گوناگون و امیدوار به تجدیدنظر در شرایط موجودند. شرایط دائماً در حال تغییر مثل شهری شدن، آموزش، صنعتی شدن، تکامل حقوق مدنی و غیره ممکن است وضعیت را رو به بهبود ببرد لکن دائماً نیاز به ارزیابی و اصلاح جایگاه‌های اخلاقی دارد.

ضعف دیگر این دیدگاه تلفیقی یا التقاطی این است که این رویکرد بر سر راه قضاوت‌های بین‌فرهنگی یا بین‌جامعه‌ای مانع و سد ایجاد می‌کند. اعتبار قضاوت‌ها و هنجارهای اخلاقی بسته به تأییدشان توسط جامعه است و هیچ اصل برتر و مافوقی ضمانت ارزیابی بین‌فرهنگی را نمی‌کند. هیچ حقوق بشر جهانی نیست که از تک‌تک افراد حمایت کند. طبق تعریف حقوق بشر ادعاهای معتبری هستند که با اشاره به ویژگی‌های اخلاقی مرتبط با انسان‌ها قابل توجیه‌اند نه به واسطه اشاره به استانداردهای جوامع خاص. همچنین در جامعه پلورالیستی بر طبق این دیدگاه، مشکل می‌توان خط‌مشی کلی اخلاقی را شکل داد. به گفته بیوجامپ (۲۰۰۵: ۷-۳) به آسانی می‌توان درک کرد که این دیدگاه می‌تواند برای خط‌مشی‌های خصوصی در سازمان‌های خصوصی به‌کار رود اما ناتوانی‌اش در توجیه، توضیح و انتقاد از خط‌مشی‌های کلی جامعه آن را برای کاربرد در جهان مدرن خارج از دسترس می‌سازد و لذا برای کاربرد اخلاقیات در عمیق‌ترین مسائل اجتماعی، آن را ناکارآمد می‌سازد.

نگارنده بر این باور است که این مدل ترکیبی یا التقاطی^۱ به معنی تأیید هر دو مدل نیست بلکه با تعامل هدایت‌شده بین دو مدل^۲ می‌توان به تلفیق آنها به گونه‌ای دست‌یازید که نارسایی‌ها و خلأهایی که در اثر تبعیت از هر یک از مدل‌های درون‌گرایی یا برون‌گرایی به وجود می‌آید در مدل تلفیقی پوشش داده شود و به یک مسیر منطقی رهنمون گردیده و منتج به نتایج و آثار خوبی شود. تلفیق به شرط انسجام و سازگاری و روش‌مندی، مدل مؤثر و کارایی است بدین نحو که محاسن هر یک از مدل‌ها استحصال گردیده و در جایگاه مناسب

1. Mixed

2. Interaction

خود برای پژوهش به کار رود. لازم به توضیح است که در مدل تعاملی نکته مهم تر این است که اتخاذ مدل‌ها به تنهایی ملاک و معیار حسن یا عیب آنها نیست بلکه چگونگی کاربرد و استعمال اینها در پژوهش است که مهم است. ممکن است کسی معتقد به روش تعاملی باشد ولی نتواند از آن استفاده صحیح و به‌جا بکند. استفاده درست از این مدل جزو ابزار لاینفک رسیدن به نتیجه و عمل صحیح است. برآیند حاصل از دو دیدگاه درونی و بیرونی باید هم در جهت تثویک خوب تبیین شود و هم در جهت عملی و کاربردی. به عبارت دیگر به جای التقاط و مخلوط کردن بی‌هدف و بی‌رویه دو مدل درون‌گرایی و برون‌گرایی^۱ پسندیده آن است که در پژوهش‌مان مدل تعامل^۲ صحیح و منطقی را برگزینیم. به همین خاطر توصیه نگارنده بر این است که امروزه در جامعه ایران اسلامی ما در اخلاق پژوهش بهتر است منابع روشی و محتوایی از مدل تعاملی بهره‌گیرند و در مراکز پژوهشی و دانشگاهی این مدل مورد استفاده قرار گیرد. مخصوصاً حال که با رشد علمی دانشگاه‌های کشور نیاز به اخلاق پژوهش به طور روزافزونی گسترش یافته است و لزوم ایجاد کمیته‌های اخلاق پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی شدیداً به چشم می‌خورد. البته در برخی دانشگاه‌ها مثل دانشگاه صنعتی شریف این کار شروع شده است.^۳ در همین راستا می‌توان با بهره‌جستن از مدل‌های اسلامی، ایرانی و غربی و استخراج موارد مثبت آنها به مدلی چندجانبه دست یافت. چون دانش علمی اخلاق پژوهش به منزله خوان گسترده‌ای است که انواع گوناگون اطعمه و اشربه در آن به چشم می‌خورد اما جامعه اسلامی - ایرانی با توجه به اخلاق باور خود می‌تواند از تجارب فراوان غربیان در این زمینه بهره‌گیرد. ضمناً با موارد متناقض یا متضاد با اخلاق باور جامعه می‌توان برخورد صحیح علمی و انتقادی کرد. ضمن اینکه فلسفه اخلاق در معارف دینی ما از جایگاه رفیعی برخوردار است و التزام به آنها در زمینه پژوهش به همراه بهره‌گیری از تجارب دیگران می‌تواند بر غنای اخلاق پژوهش ما بیفزاید.

مسائل اخلاق پژوهش به عناصر فرهنگی، دینی، اجتماعی و عناصر گسترده‌ای که پژوهش، به آن متعلق است وابسته است. همین امر کثرت منابع را به میان می‌آورد. مطالعات نظام‌مند در اخلاق پژوهش با رهیافت میان‌رشته‌ای می‌تواند از منابع متعدد، مسائل خود را تحلیل کند. این منابع در فرهنگ اسلامی - ایرانی عبارت‌اند از:

۱- آموزه‌های اسلامی مانند قرآن و روایات که هم به منزله منبع و هم به منزله دلیل به کار می‌روند و محققان مسلمان در اخلاق پژوهش، مسائل اخلاقی را با مبانی اسلامی مورد بحث قرار

1. Mixed Internalism & Externalism

2. Interactive model

۳. به گفته دکتر رضا روستا آزاد رئیس این دانشگاه رعایت ملاحظات اخلاقی در حوزه علم از عوامل ایجاد کمیته اخلاق پژوهشی در این دانشگاه است. زمانی که رشد علمی صورت می‌گیرد یکی از تبعات آن این است که ممکن است در قالب انتشار مقاله یا کتاب یک‌سری ملاحظات اخلاقی عامداً یا سهواً رعایت نشود. از این رو به منظور جلوگیری از این امر به درخواست هیئت رئیسه، این کمیته در دانشگاه ایجاد گردید و پیش‌نویس منشور اخلاقی آن در حال نهایی‌سازی است (گفتگو با مهر، جام جم آنلاین)

می‌دهند. در آموزه‌های اسلامی علاوه بر بیان جزئیات اخلاق کاربردی، ملاک‌هایی اخلاق در هر زمینه، ذات باریتعالی است و آنگاه که به بیان ویژگی‌های رفتاری مطلوب می‌پردازد بر عمل به این آموزه‌ها تأکید دارد و حتی برای درست عمل کردن به آنها، نشانه‌هایی بر می‌شمارد تا مؤمنان اعمال خود را با این نشانه‌ها و ملاک‌ها در ترازوی نقد و سنجش قرار دهند و دائم مراقب صحت اعمال خود باشند. به عنوان مثال اسلام بر راستگویی در هر شرایطی توصیه می‌کند و آن را نشانه ایمان می‌داند. حضرت امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «نشانه ایمان آن است که راست بگویی آن هنگام که تو را زیان رساند و دروغ‌نگویی تا تو را سود رساند و آنکه بیش از مقدار عمل سخن‌نگویی و چون از دیگران سخن‌گویی از خدا بترسی» (سیدرضی، ۱۳۸۴: ۴۵۸). با کمی دقت در بیان فوق معلوم می‌شود که انسان باید صداقت را به عنوان یک اصل مبنایی در اندیشه، گفتار و عمل خود مد نظر قرار دهد، در این صورت نه تنها در حرفه و شغل خود بلکه در تمام جنبه‌های رفتاری و گفتاری که در صحنه‌های مختلف زندگی از او بروز می‌یابد با صداقت برخورد می‌کند و از جمله در حیطه پژوهش نیز از هر کاری که بر مبنای صداقت نباشد نظیر سرقت علمی و عدم رعایت امانت‌داری پرهیز دارد.

۲- تمدن‌های ایرانی هم در ایران باستان و هم در ایران اسلامی متضمن تجارب و دانش قابل استفاده در حل مسائل اخلاق کاربردی به صورت عام و مسائل اخلاق پژوهش به صورت خاص است. به عنوان مثال، اخلاق‌مندی پیشه‌وران و حرفه‌مندان در عصر ایران باستان که همگی خود را مورد تأیید هورمزد و ایزدان می‌دانستند باعث شد اخلاق حرفه‌ای در جامعه ایرانی عصر باستان نهادینه گردد. در عصر ساسانیان جامعه ایران عمدتاً مبتنی بر آموزه‌ها و دیدگاه‌های آیین زرتشتی بود (خانلری، ۱۳۸۶: ۶۴). مبنای این ساختار اخلاقی دعوت به نیک‌اندیشی، راست‌گویی و درست‌کرداری بود. این آموزه‌ها در اخلاق کاربردی برای تداوم تسلط حکومت بر جامعه و حفظ نظم موجود بود (قریب، ۱۳۶۴). اصول اخلاقی در اندرنامه‌های دوره ساسانی قابل توجه‌اند. مینوی خرد، اندرنامه ادرباد مهرسپند، اخلاق مزدک، اخلاق مانی، پندنامگ‌ها و اوستا (که همگی شامل اندرزهایی در اخلاق فردی، اخلاق خانوادگی و اخلاق اجتماعی می‌باشند) از جمله منابع اخلاق در دوره ساسانیان هستند (زرین‌کوب: ۱۳۷۳). البته یافتن جزئیاتی در باب اخلاق پژوهش در این منابع مستلزم تتبع و تحقیق موشکافانه در این مورد است که از حیطه پژوهش حاضر خارج است.

در میان علمای مسلمان شیخ عبدالباسط بن موسی بن محمد العلموی (۹۸۱ ق) در خصوص تصحیح کتاب، ضبط و نسخه‌برداری از آنها و حتی جزئیات نگارش و به عاریت گرفتن کتب و حاشیه زدن بر متن آدابی را به تفصیل برمی‌شمارد. وی در کتاب «المعید فی ادب المفید و المستفید» حتی در خصوص جزئیات نگارش آدابی را برمی‌شمرد که حکایت از نهایت دقت علما در این گونه امور است از جمله رعایت طهارت در خصوص مصحف، رو به قبله بودن، خواندن ادعیه و آیات خاص و یکی دو مورد از آدابی که العلموی در باب آداب کارهای علمی و

پژوهشی اشاره می‌کند به شرح زیر است: اصلاح کتاب غیر و حاشیه زدن در کنار متن بدون اذن صاحبش جائز نیست مگر آنکه غلط نوشتاری یا برداشت اشتباه لحنی داشته باشد و یا خط آن مناسب نباشد. وی همچنین نسخه‌برداری را بدون اجازه صاحب کتاب جائز نمی‌داند مگر آنکه کتاب برای بهره‌برداران غیرمعین وقف شده باشد. حتی به نکات ریز و به ظاهر جزئی هم توجه نموده از جمله هنگام نسخه‌برداری یا مطالعه، کتاب را روی زمین نگذارد بلکه در مکانی مرتفع قرار دهد. هنگام چیدن کتب روی هم براساس اعتبار هر علمی رعایت ادب کند و اشرف را بالاتر قرار دهد و اگر کتاب‌ها مربوط به یک علم باشد براساس شرف و ارزش مصنف، کتاب برتر را مقدم دارد (روزنتال، ۱۹۸۳: ۴۹-۲۶).

۳- تجارب تحلیل شده در محیط پژوهش به ویژه در مؤسسه‌های پژوهشی. بسیاری از مؤسسه‌های پژوهشی بر حسب تجارب و منابع یاد شده به تدوین کدهای اخلاقی در پژوهش پرداخته‌اند (برای تفصیل بیشتر رک. فرامرز قراملکی، ۱۳۸۷).

نتیجه

این پژوهش نشان می‌دهد اخلاق پژوهش فراتر از قواعد کلی و توصیه‌های عام، دانشی است که به نحو روش‌مند مسائل اخلاقی در پژوهش را در چارچوب نظری معین تحلیل می‌کند. اخلاقی پژوهش به منزله یک دانش چهار ضلع عمده دارد: یک، اهداف این دانش که دربرگیرنده فضائل و رذائل اخلاقی در پژوهش، حل مسائل اخلاقی، آموزش و تربیت اخلاقی در پژوهش و ذکر نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی پژوهشگران می‌باشد. تدوین اصول اخلاقی و نیز منشور چندوجهی اخلاق پژوهش می‌تواند به ترویج و تربیت اخلاقی در پژوهش و نیز تشخیص و حل آسیب‌های اخلاقی کمک کند. دو، در این دانش دو رهیافت عمده فردگرایانه (اخلاق محققان) و سازمانی (اخلاق مؤسسه‌های پژوهشی) وجود دارد. سه، روش‌های عمده در این دانش عبارت‌اند از روش‌های بسیط و مرکب. دو روش قیاس و استقراء نمونه‌هایی از روش‌های بسیط هستند. در قیاس مسائل اخلاق پژوهش با تأکید بر فرضیه‌های اخلاقی و هنجارهای کلی حل می‌شوند و در استقراء بالعکس، پژوهش از موارد بدیع و جدید آغاز و به تصمیمات و اصول اخلاقی منجر می‌شود. دو الگوی تلفیقی منسجم و چالش گفتگویی نیز نمونه‌هایی از روش‌های مرکب هستند. روش‌های مرکب پژوهشگران را تشویق به استفاده از الگوهای مختلف و تعامل آنها با یکدیگر می‌کند. چهار، دانش اخلاق پژوهش دارای منابعی است که زیربنای محتوای آن را تشکیل می‌دهد. مدل‌های موجود محتوایی از جمله مدل درون‌گرایی، برون‌گرایی و تلفیقی در مقاله حاضر معرفی شدند. بر مبنای مدل درون‌گرایی هنجارها و استانداردهای اخلاق پژوهش از درون خود حرفه و عاملین و پژوهشگران (پژوهش) نشئت می‌گیرد. در مدل برون‌گرایی ارزش‌های اخلاقی (در پژوهش) از محیط بیرونی اقتباس می‌شود و لذا آراء جامعه و مؤسسات مختلف منبع عمده این مدل هستند و سومین مدل تلفیقی از هر دو رویکرد قبلی

است. یعنی پژوهشگران نه تنها به واسطه معیارهای اخلاقی جامعه یا فرهنگشان، بلکه توسط معیارها و هنجارهای اخلاقی پژوهشی گروه مربوطشان ملتزم و پای بند می شوند. باورنگارنده مقاله این است که مدل تعاملی در پژوهش کارآمدتر از تک تک مدل هاست به گونه ای که با پرهیز از نارسایی های هر یک از مدل ها می توان از نکات مثبت هر کدام بهره جست و از نکات منفی آنها احتراز کرد. ضمناً در جامعه ما که متأثر از فرهنگ اسلامی- ایرانی است می توان با بهره جستن از الگوهای اسلامی، ایرانی و استخراج موارد مثبت الگوهای غربی مدلی چندجانبه را الگو قرار داد و ضمناً با موارد متناقض یا متضاد با اخلاق دینی و فرهنگی اجتماع ما می توان برخورد صحیح علمی و انتقادی کرد. ضمن اینکه فلسفه اخلاق در معارف دینی ما از جایگاه رفیعی برخوردار است و التزام به آنها در زمینه پژوهش به همراه بهره گیری از تجارب دیگران می تواند بر غنای اخلاق پژوهش ما بیفزاید.

منابع

۱. خانلری، مجید. (۱۳۸۶). ارزش‌های اخلاقی نزد ساسانیان. **اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام**. در احد فرامرز قراملکی و همکاران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. رضی، سید شریف. (۱۳۸۴). **نهج البلاغه**. محمد دشتی. مؤسسه فرهنگی تبلیغاتی امیر المومنین (ع). چاپ ۲۹.
۳. روزنتال، فرانتس. (۱۹۸۳). **مناهج العلماء المسلمین فی البحث العلمی**. انیس فریحه و ولید عرفات. چاپ ۴. بیروت، لبنان: دارالتقافه.
۴. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۳). **تاریخ مردم ایران قبل از اسلام**. تهران: امیرکبیر.
۵. طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۴). **اخلاق ناصری**. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
۶. فارابی، ابونصر محمدبن محمد. (۱۳۸۴). **احصاء العلوم**. حسین خدیوجم. تهران: علمی و فرهنگی.
۷. فرامرز قراملکی، احد و علی مظهر قراملکی. (۱۳۸۳). **الگوی علم‌شناسی اصولیان**. مقالات و بررسی‌ها. ش. ۳. ص ۷۵.
۸. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). **روش‌شناسی مطالعات دینی**. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۹. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۷). **درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای**. تهران: سرآمد.
۱۰. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸). **اخلاق سازمانی**. تهران: سرآمد.
۱۱. قریب، عبدالعظیم. (۱۳۶۴). **تاریخ ده هزارساله ایران**. ج. ۲. تهران: نشر اقبال.

12. Brody, H. & F. G. Miller. (1998). The Internal Morality of Medicine: Explication and Application to Managed Care. *Journal of Medicine & Philosophy*. 23: 384-410.
13. Beauchamp, T. L. (2005). The Nature of Applied Ethics. In *A Companion to Applied Ethics*. Blackwell publishing. 1-16.
14. Clouser, K. D. & B. Gert. (1990). A Critique of Principlism. *The Journal of Medicine and Philosophy*. 15: 219-36.
15. Colantuono, F. Scientific Misconduct. (2009). <http://en.wikipedia.org>
16. Engelhardt, H. T. & K. Wildes. (1994). The Four Principles of health care ethics & post-modernity. In R. Gillon (ed.) *Principles of Health Care Ethics*. 135-47. London: John Wiley.
17. Freidson, E. (2001). *Professionalism, The Third Logic*. Polity Press.
18. Frery, R. G. & C. H. Wellman. (eds.). (2005). *A Companion to Applied Ethics*. Blackwell Published.
19. Goodstein, D. (2002). Scientific misconduct. Academe (AAUP). Available at: <http://www.aaup.org/AAUP>.
20. Jonson, A. & S. Toulmin. (1988). *The Abuse of Casuistry: A History of Moral Reasoning*. Berkeley, CA: University of California Press.
21. Kelman, H. (1968). *A time to speak: on Human Values and Social Research*. San Francisco: Jossey-Bass.
22. Macintyre, A. (1984). *After virtue, 2nd ed*. Notre Dame: University of Notre Dame Press.
23. Rawls, J. (1996). *Political Liberalism*. New York: Columbia University Press.
24. Rawls, J. (1999). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
25. Tømmfjö, T. (2002). *Understanding Ethics: An Introduction to Moral Theory*. Edinburgh University Press.

